

بررسی کارکردهای فرهنگی آموزه مهدویت با تاکید بر فرصت‌ها و تهدیدها

روح‌الله شاکری زواردهی^۱

چکیده

«فرهنگ نظام»، مجموعه گزاره‌هایی از باورها و ارزش‌ها و هنجارهاست که در مناسبات جامعه هویت‌ساز است. «آموزه مهدویت»، به عنوان اعتقادی راهبردی در تفکر شیعه تصویر روشن و مطلوبی از آینده فراروی انسان می‌گشاید. بر همین اساس، پژوهش در مهدویت با رویکرد فرهنگی می‌تواند ضمن حفظ، بسط و گسترش فرصت‌های موجود، جامعه را از بسیاری از آسیب‌ها و تهدیدات و ناهنجاری‌ها و حتی تهاجم فرهنگی حفظ و حراست کند. این نوشتار با روش «توصیفی - تحلیلی» به تحقیق آورده‌های مختلف ترابط آموزه مهدویت با فرهنگ، نظیر عناصر تشکیل دهنده فرهنگ، ضرورت اتحاد رویکرد فرهنگی به مهدویت، کارکردهای فرهنگی مهدویت، الزامات و بایسته‌های آن و توجه ویژه به فرصت‌ها و تهدیدات فرهنگی مهدویت و ساحت‌های مهدویت پژوهی با رویکرد فرهنگی پرداخته و هدف آن شناساندن عرصه‌های جدیدی در حوزه فرهنگ مهدوی است، برای برون رفت از وضع موجود و رسیدن به فرهنگ مطلوب به فرهنگ مهدوی در همه ابعاد آن نیازمند هستیم که باعث تحول جدی انسان موجود در جهان معاصر در ابعاد مختلف، سیاسی، اجتماعی، فکری و حتی اقتصادی خواهد شد.

واژگان کلیدی: مهدویت، فرهنگ، انتظار، الزامات، فرصت‌ها و تهدیدها.

مقدمه

وقتی سخن از فرهنگ به میان می‌آید، به دو گونه فرهنگ نظر می‌شود: یکی «فرهنگ آرمانی و مطلوب» که بر ارزش‌های معنوی و آموزه‌های اعتقادی هر جامعه منطبق است و دیگری «فرهنگ موجود» که با فرهنگ آرمانی فاصله بسیار دارد (متقی زاده، ۱۳۸۸: ص ۱۲۴-۱۵۵). مراد ما در این جا فرهنگ موجود است که باید در جهت رسیدن به فرهنگ مطلوب که «فرهنگ مهدوی» است، پیش برود و از آن متأثر باشد. اندیشه مهدویت در ساحت‌ها و حوزه‌های گوناگون کارکرد دارد. کارکرد در ساحت فرهنگ یکی از کارکردهای مهم آن به شمار می‌آید؛ زیرا از سویی اعتقادات و باورها یکی از ارکان فرهنگ هستند و از سوی دیگر، اندیشه مهدویت از بنیان‌های فکری و باورهای اصیل برخوردار است. بنابراین، می‌تواند در فرهنگ‌سازی و تقویت و محکم کردن بنیان‌های فرهنگ سودمند باشد و فرهنگ جدیدی را به جامعه عرضه کند (ملکی راد، ۱۳۹۷: ص ۶۲). بدیهی است نمی‌توان بدون اعتنا و توجه به فرهنگ مطلوب، به دنبال ایجاد تغییراتی در ابعاد مختلف جامعه بود؛ چرا که هر گونه تغییر و تحول در ابعاد دیگر جامعه، اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و امثال فرهنگ مطلوب است (کارگر، ۱۳۹۳: ص ۷-۳۰). در باب این اهمیت، امام خمینی می‌فرماید: «بالاترین مؤلفه مداخله‌کننده در موجودیت هر جامعه، فرهنگ است. با انحراف آن، هر گونه پیشرفت، میان تهی است» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۵، ص ۲۳۴).

از این رو، می‌توان گفت مهم‌ترین بعد و مؤلفه حکومت جهانی، بعد «فرهنگ» است (کارگر، ۱۳۹۳: ص ۷-۳۰)، چرا که از یک طرف، ارتقا و پیشرفت و از طرفی دیگر، سقوط و پسرفت سایر حوزه‌ها به مقوله فرهنگ بر می‌گردد.

این‌که «فرهنگ» چیست و چه تعریفی می‌توان از آن داشت، نظریات مختلفی در این باب مطرح شده است. واژه «فرهنگ» معادل Culture در ادبیات لاتینی است و مفهوم لغوی آن در فارسی در معنای دانش، عقل، بزرگی، فضیلت، حکمت، وقار، هنر، معرفت، آداب و سنن، قواعد و قراردادهای دینی، اجتماعی و عرفی کاربرد دارد. در لغت‌نامه دهخدا، واژه «فرهنگ» مرکب از دو کلمه «فر» یعنی جلو و «هنگ» یعنی کشیدن، دانسته و به معنای بالا کشیدن و اعتلا



بخشیدن بیان شده است (دهخدا، ۱۳۴۱: ج ۳، ص ۲۲۷). ادوارد بارنت تایلور^۱ انسان شناس انگلیسی در تعریف فرهنگ می گوید:

فرهنگ کلیت درهم تافته‌ای است که شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات و هر گونه توانایی و عادت است که آدمی هم‌چون عضوی از جامعه به دست می‌آورد (گولد و کولب، ۱۳۹۲: ص ۶۳۱ و آشوری، ۱۳۸۱: ص ۷۵).

به طور کلی می‌توان گفت، «فرهنگ» نظام‌واره‌ای است از باورها و مفروضات اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه دار و دیرپا و نمادها و مصنوعات که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را سمت‌وسو و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد (کارگر، ۱۳۹۳: ص ۷-۳۰). هر فرهنگی حداقل دارای سه مؤلفه اساسی است:

۱. **جهان بینی و باورها:** نخستین و زیرین‌ترین لایه فرهنگ، جهان بینی است (افروغ و دیگران، ۱۳۷۹: ص ۱۱-۵۵) که شامل یک سلسله اعتقادات و بینش‌های کلی هماهنگ در مورد جهان و انسان و به طور کلی درباره هستی است (مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ص ۱۲)؛

۲. **ارزش‌ها:** که ملاک داوری هستند و بین خوبی و بدی، زشتی و زیبایی و درستی و نادرستی، ارزش گذاری می‌کنند (افروغ و دیگران، ۱۳۷۹: ص ۱۱-۵۵)؛

۳. **هنجارها یا الگوهای رفتاری:** مقیاس‌هایی هستند که اگر چیزی بخواهد در شبکه کلی تری قرار گیرد، باید مقیاسش با آن شبکه متناسب باشد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ص ۱۸۱ و حسینی، ۱۳۹۸: ص ۵۰-۵۱).

فرهنگ و تمدن ارتباط بسیار تنگاتنگی دارند و نزدیک بودن این دو مفهوم، تا آن جاست که گاه آن‌ها را مترادف یکدیگر می‌شمارند (بردیا، ۱۳۷۴: ص ۱۳۴-۱۴۳). مطالعات نشان می‌دهد به طور کلی درباره تمدن و فرهنگ، سه نظریه مطرح شده که عبارتند از:

۱. تمدن صورتی از فرهنگ محسوب می‌شود: در این نظریه، همپوشانی واژه تمدن و فرهنگ به سه شکل مطرح شده است: اول، تمدن و فرهنگ مترادف یکدیگرند (روشه، ۱۳۹۶: ص ۱۲۰)؛ دوم، تمدن همان فرهنگ است، با این تفاوت که تمدن دارای درجه و پیچیدگی بیش‌تر و

1. Tylor.

تعداد خصوصیات فراوان تری است؛ سوم، تفاوت فرهنگ و تمدن در این است که در تمدن، عناصر و خصوصیات «کیفیت» پیشرفته تری با برخی «معیارهای پیشرفت» قابل سنجش باشد (گولد و کولب، ۱۳۹۲: ص ۲۶۷).

۲. تمدن در مقابل فرهنگ قرار می‌گیرد: در این نظریه، فرهنگ به معنای باورها و آفرینش‌های انسانی به اسطوره، دین، هنر و ادبیات مربوط است؛ حال آن که تمدن به حوزه خلاقیت انسانی مرتبط با فناوری و دانش اشاره می‌کند (همان).

۳. تمدن حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظر اجتماعی است: بسیاری از اندیشمندان معتقدند تمدن خروج از بادیه نشینی و گام نهادن در شاهراه نهادینه شدن امور اجتماعی است (ولایتی، ۱۳۸۴: ص ۲۲). در کنار این دسته بندی می‌توان به دیگر تمایزات این دو حوزه اشاره‌ای داشت:

فرهنگ، معنا و باطن تمدن؛ و تمدن، ظهور و بسط آثار اندیشه در مناسبات افراد و اقوام و رفتار و علوم و فنون آن‌ها (داوری اردکانی، ۱۳۸۰: ص ۷۲)؛ مرکب از دو دسته عناصر مادی و غیرمادی است و تمدن نمود مادی و عینیت یافته فرهنگ (شریعتی، ۱۳۵۹) یا همان فرهنگ است با درجه پیچیدگی بیش‌تر و تعدد خصوصیات و مشخصه‌های فراوان‌تر و متنوع‌تر (گولد و کولب، ۱۳۹۲: ص ۲۶۷).

نسبت میان فرهنگ و تمدن، «عام و خاص مطلق» است؛ یعنی هر تمدنی در مقام تحقق، الزاما و قهرا به یک منظومه فرهنگی ارجاع و استناد دارد؛ اما هر فرهنگ یا نظام فرهنگی، لزوماً در چرخه آفرینش تمدن طی طریق نمی‌کند (شرف الدین، ۱۳۹۴: ج ۲، ص ۲۸۳).

بعد از تعریف فرهنگ و بیان مؤلفه‌های آن و رابطه تمدن فرهنگ با تمدن، لازم است فرهنگ مهدوی و کارکردهای فرهنگی آن مورد بررسی قرار گیرد تا از این طریق، بتوان با توجه به الگوی مطلوب، وضعیت فرهنگی موجود را به نحو احسن سامان داد.

«فرهنگ مهدوی» عبارت است از فرهنگی که در عصر غیبت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل می‌گیرد. چنین فرهنگی بر محور همان باورهای زیربنایی و با الگوگیری از چشم انداز آرمانی «فرهنگ مهدوی» تحقق می‌یابد. به عبارتی، فرهنگی که به بیان اندیشه‌ها، باورها، اصول و اعتقادات مربوط به آموزه مهدویت؛ تبیین ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای آن، تعیین هنجارها و الگوهای

رفتاری - کرداری مرتبط با آن، تولید نمادها، نشانه‌ها و علائم نمادین برای توسعه و استحکام آن، تولید آیین نامه‌ها و آداب و رسوم تازه و تقویت آیین‌های پیشین؛ ابداع و نوآوری‌های ارتباطی - رسانه‌ای در حوزه شبکه‌های انسانی حقیقی و مجازی؛ توسعه و بسط مهارت‌های مورد نیاز مانند زمینه‌سازی ظهور؛ انتقال سازنده؛ روش‌های یاری مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌پردازد (عظیمی، ۱۳۸۹: ص ۱۴۱-۱۶۸). از ویژگی‌های مهم فرهنگ مهدوی «جهان شمول و فرابخشی» بودن آن است؛ به گونه‌ای که این فرهنگ، تمام قشرها از هر جنس و نژاد و سن و مسلک را مخاطب خویش قرار می‌دهد. «دینی بودن» فرهنگ مهدوی از دیگر ویژگی این فرهنگ است. در جامعه مهدوی، امام معصوم علیه السلام لطفی است که با هدایت خویش و اجرای احکام الهی در عرصه فردی و اجتماعی، جامعه را به سوی سعادت رهنمون می‌شود.

پرواضح است که در میان انبوه تبلیغاتی که در موضوعات مختلف ذهن مردم را به خود مشغول کرده است، نشر معارف مهدوی و تبیین مزایای منحصر به فرد حکومت جهانی ایشان، باید به دقت و شدت پیگیری شود تا بتواند در میان مردم و گرایش قلوب آن‌ها تأثیر زیادی داشته باشد. چنین آرمان بلندی، جز با تهیه نقشه مهندسی کلان برای فراگیر شدن اندیشه مهدوی در سطح حکومت و رسالت‌های آن؛ بسیج و هماهنگی همه نهادها و به ویژه سازمان‌هایی که مسئولیت فرهنگی کشور را بر عهده دارند؛ نظارت بر صحت حرکت همه نهادها و عدم انحراف آن‌ها از اهداف تعیین شده، حاصل نخواهد شد؛ چنان که دوری از موازی کاری نهادها و آسیب‌شناسی مهدویت در سطح حکومت و جامعه و دفع موانع پیش روی آن حتماً باید لحاظ گردد (کریم زاده و ملایی، ۱۳۸۸: ص ۱۹۹-۲۲۴).

آیت الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید:

جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود - ارواحنا فداه - باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الاً مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می‌شود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولوالعزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدی‌ها پاک و پیراسته کنند؛ چرا؟ چون زمینه‌ها آماده نبود. چرا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب - علیه الصلاة والسلام - در زمان خودش، در همان مدت کوتاه حکومت با آن قدرت الهی، با آن علم متصل به معدن الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیبایی و درخشندگی‌هایی که در شخصیت آن بزرگوار



وجود داشت و با آن توصیه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره او، نتوانست ریشه بدی را بخشکاند؟ خود آن بزرگوار را از سر راه برداشتند... تاوان عدالت امیرالمؤمنین، جان امیرالمؤمنین بود که از دست رفت؛ چرا؟ چون زمینه نامساعد بود... آن وقت اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد؛ باید آمادگی باشد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۹/۲۵).

آموزه مهدویت در طول تاریخ فرهنگ اسلامی همواره مورد توجه دانشمندان مسلمان بوده و هیچ آموزه دیگری به اندازه آن اهمیت نداشته؛ اما به رغم این اهمیت، متأسفانه به مثابه تئوری و راهکاری مهم مورد توجه و دقت نظر قرار نگرفته است. از این رو، بر اندیشمندان و فرهیختگان است که در این باره به ژرف اندیشی و فرهنگ سازی بپردازند، تا به شایستگی، آن گونه که در متون دینی سفارش شده است؛ به مهدویت توجه شود (شاکری زواردهی، ۱۳۹۲: ص ۴۹)؛ کارکردهای فرهنگی مهدویت مورد توجه قرار گیرد و تهدیدات و فرصت‌های فرهنگی نیز شناسایی و برای دفع و ارتقای هر یک، برنامه‌ریزی‌هایی کاربردی انجام گیرد (میرزا محمدی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۱۲۲).

مهم‌ترین کارکردهای بینشی باور به مهدویت در حوزه فرهنگ عبارت است از:

۱. استحکام و تقویت ایمان: اعتقاد به مهدویت، به عنوان باورداشت دینی می‌تواند بر بعد ایمان تأثیر داشته باشد و ایمان نیز امری اعتقادی و داخل در حوزه بینش‌هاست، زیرا ملاک اصلی امور اعتقادی، سر و کار داشتن آن با قلب و ضمیر و باطن شخص است. وقتی چیزی در باطن انسان نفوذ کند و با آن گره بخورد، به دنبال آن نفس و روح آدمی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و موجب بروز آثاری در اعمال و رفتار انسان می‌شود (ملکی راد، ۱۳۹۷: ص ۶۳)؛ ۲. ضرورت التزامی بینشی به امام؛ ۳. صیانت از انحراف و پاسخ‌گویی به شبهات.

یکی دیگر از کارکردهای اندیشه مهدویت در حوزه بینشی فرهنگ، ضرورت التزام بینشی درباره امام است. از دیدگاه امامیه، «امامت» منزلتی است الهی که افراد خاصی از جانب خداوند و به نصب او انتخاب و توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به مردم معرفی شده‌اند که همه وظایف پیامبر به جز منصب نبوت و رسالت را دارند. امامت نیز چون نبوت از شعب و شعاع، اعتقاد به خداوند و از عقیده به توحید نشأت می‌گیرد و آن را می‌توان از مظاهر و تجلیات اسما و صفات الهی برشمرد.

امامت همچون نبوت، مظهر صفت هدایت‌گری الهی است؛ زیرا احتیاج به هدایت و راهنمایی در میان انسان‌ها، نیازی دائمی و همیشگی است و به عصر نبوت مختص نیست. بنابراین، وجود هادی و راهنما برای جامعه بشری همواره ضروری است. پس همان‌گونه که لطف الهی و حکمت او اقتضا می‌کند افرادی را به عنوان رسول و پیامبر برای هدایت انسان بفرستد؛ لطف و حکمت او نیز اقتضا می‌کند افرادی را به عنوان جانشین پیامبر خاتم برای حفظ دین و شریعت او به مردم معرفی کند تا دین و دستورهای دینی بدون هیچ‌گونه تغییر و تحریف برای هدایت انسان باقی بماند (همان، ص ۶۸). مهم‌ترین آثار شناخت امام که می‌تواند حوزه بینشی فرهنگ را تحت تأثیر قرار دهد و موجب تحول و تقویت فرهنگ شود؛ عبارت است از: احساس نظارت همیشگی امام در زندگی (همان: ص ۶۷-۶۸) که در مباحث قبل به آن پرداخته شد.

۴. تصویر روشن از آینده جهان: اندیشه مهدویت افزون بر آن که در زندگی فعلی معتقدان کاربرد دارد؛ در عین حال، اندیشه‌ای است معطوف به آینده و ترسیمی روشن از آینده را به انسان‌ها ارائه کرده است. در حقیقت تبلور الهام فطری است که مردم از دریچه آن، روز موعود را می‌بینند؛ روزی که رسالت‌های آسمانی با همه اهدافش در زمین تحقق می‌یابد و راه ناهمواری که پیمودن آن در طول تاریخ برای انسان دشوار بود، پس از رنج بسیار هموار می‌شود. این باور آثار گوناگونی دارد که می‌تواند بر تعالی و تقویت فرهنگ مؤثر باشد؛ آثاری چون تثبیت فرهنگ حق خواهی؛ تقویت فرهنگ امید و امیدواری و تثبیت فرهنگ تلقی درست از هدف‌مندی برای تاریخ در پرتو باور به مهدویت (همان: ص ۸۷-۸۸).

۱. عناصر تشکیل دهنده فرهنگ

در مقدمه بیان شد که حداقل عناصر تشکیل دهنده فرهنگ سه مورد است: جهان بینی و باورها؛ ارزش‌ها و هنجارها یا الگوهای رفتاری (رفیع پور، ۱۳۷۸: ص ۱۸۱). اگر بخواهیم به صورت مبسوط به عناصر تشکیل دهنده فرهنگ بپردازیم، باید گفت فرهنگ از شش لایه تشکیل شده است که سه لایه نخست «هسته فرهنگ» و سه لایه دیگر «پوسته فرهنگ» را تشکیل می‌دهد. لایه نخست، «باورها» است که به معنای نظام جهان بینی و اعتقادات و نوع نگرش به خدا، انسان و جهان است؛ لایه دوم، «ارزش‌ها» است که به معنای بایدها و



نباید هاست؛ لایه سوم، «هنجارها» است که به معنای الگوی رفتاری برآمده از ارزش هاست؛ لایه چهارم «نمادها و اسطوره‌ها» است که شامل سرود، پرچم، مشاهیر و شخصیت‌های علمی و فرهنگی هر کشور است؛ لایه پنجم، «آیین‌ها و آداب و رسوم» است که رفتارهای اجتماعی را شکل می‌دهد و به جامعه پذیری و درونی کردن عادات و عالیق اجتماعی منجر می‌شود؛ لایه ششم را «فناوری‌ها مهارت‌ها و نوآوری‌ها» تشکیل می‌دهد و به محیط و فضای جدیدی ناظر است که فرهنگ عمومی در بستر آن شکل می‌گیرد و مظهر تعامل و تبادل کنش‌های اجتماعی و الگوهای ارتباطی به شمار می‌آید (پژوهنده، ۱۳۷۴: ص ۶۵-۹۴ و دهشیری، ۱۳۸۸: ص ۱۷۹-۲۰۸).

۲. ضرورت شناسی اتخاذ رویکرد فرهنگی به آموزه مهدویت

امروزه با توجه به فراگیر شدن «تهاجم فرهنگی» دشمن که با در اختیار داشتن انواع رسانه‌ها، ابزار گوناگون و تبلیغات گسترده به مقابله با فرهنگ مهدویت برخاسته است و نمی‌خواهد اثری از ارزش‌های اصیل اسلامی باقی بماند؛ توجه به فرهنگ مهدویت، به ویژه فرهنگ زمینه‌ساز ظهور از ضروریات جامعه مهدوی است (جعفری هرندی، طالعی و نجفی، ۱۳۹۵: ص ۳۱-۶۴). در نظام اسلامی، فرهنگ مهدویت نقش پیشگیری بنیادی از تهاجم و شبیخون فرهنگی را ایفا می‌کند و فعالانه بر آماده‌سازی جامعه مهدوی تأثیرگذار است. این فرهنگ زیربنای ایجاد نظم عادلانه جهانی را در پرتو رهبری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم می‌کند و جامعه‌ای صالح، پرنشاط، برخوردار از سلامت معنوی، هوشیار و آماده برای ظهور به وجود می‌آورد (مهدی پور، آیت‌اللهی، بهروزی لک و مشیری، ۱۳۸۳: ص ۳۱-۵۲). اهمیت آن را همچنین می‌توان در هویت بخشی فرد و جامعه دانست؛ جامعه‌ای که به آینده اعتقاد دارد و بر آن باور است که عصری دگر فرا خواهد رسید متفاوت از وضع موجود که از نقص‌ها و آسیب‌ها مبراست و می‌تواند زندگی امروز خود را نیز بر اساس مدل کامل و مطلوب سامان دهد (همان، ص ۴۰). دولت زمینه‌ساز باید در عرصه فرهنگی نیز، چون سایر عرصه‌ها، دکتترین ظهور را ملاک و اساس کار خود قرار دهد. برای رسیدن به این مهم باید وضعیت فرهنگی جوامع در دوران ظهور، اقدامات اصلاحی امام در این زمینه و چگونگی مواجهه ایشان با ناهنجاری‌های فرهنگی را مورد بررسی قرار داد تا از رهگذر

این مطالعات، خط مشی فعالیت‌های فرهنگی دولت زمینه‌ساز روشن گردد (نکونام و کریمی تبار، ۱۳۸۹: ص ۱۳۹-۱۶۵).

دشمنان اسلام به رغم کوشش‌های فراوان در جبهه‌های نظامی و اقتصادی، با تجربه تلخ شکست مواجه شدند و لذا تصمیم گرفتند در جبهه فرهنگ و از طریق حمله به ارزش‌ها و باورهای دینی مسلمانان وارد عمل شوند. اقسام برنامه‌های فرهنگی جدید به پوچ و تهی کردن تفکر و فرهنگ و تمدن اصیل اسلامی و ملی می‌پردازد و با از بین بردن هویت اسلامی و تضعیف شخصیت انسانی افراد مسلمان با القای اصول فکری و تحمیل فرهنگ غربی همت می‌گمارد (جمشیدی ۱۳۷۳: ص ۷۵-۱۱۲؛ ر.ک: متقی زاده، ۱۳۸۸: ص ۱۲۵-۱۵۴ و اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ص ۱۰۸-۱۲۷). دشمنان تلاش دارند که باور مترقی مهدویت شیعه را تحت عناوینی چون «آخرالزمان گرایی»، «جنگ جهانی آرماگدون»، «نزدیکی ظهور مسیح در سرزمین موعود و ضرورت زمینه‌سازی برای آن» و «تشکیل جنبش صهیونیسم - مسیحی در ایالات متحده» (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۹: ص ۶)؛ به نفع خود مصادره کنند. نظریه جهانی کردن نیز یکی از ضرورت‌های طرح و بسط فرهنگ مهدویت است. نظریه جهانی کردن، ترفندی است که توسط مستکبران جهانی و صهیونیسم بین الملل طراحی شده است تا به وسیله ابزارهای علمی، ارتباطی، تبلیغاتی، هنری، ادبی، فرهنگی قدرتمند خود و امثال آن هدایت امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... جهان را در دست بگیرند و همه کشورها را همچون موم در دست خود قبضه کنند (همان، ۱۵۲). از آن جا که روز به روز تهاجمات آن‌ها در این عرصه پیچیده‌تر و مرموزانه‌تر می‌گردد، مقام معظم رهبری برای اهمیت این مسئله تعابیر دقیق‌تری همچون شبیخون فرهنگی، براندازی فرهنگی، ناتوی فرهنگی و جنگ نرم به کار می‌برند تا هر چه بیش‌تر، مردم را به این مسئله و اهمیت مقابله با آن توجه دهند (نکونام و کریمی تبار، ۱۳۸۹: ص ۱۳۹-۱۶۵).

۳. الزام‌ها و بایسته‌های رویکرد فرهنگی به آموزه مهدوی

فرهنگ صحیح و اصیل انتظار و مهدویت را باید در فرهنگ سعادت‌پروری و زمینه‌سازی رشد و تعالی انسان‌ها از طریق رسیدن به عبودیت و هدایت به سوی خداوند جست و جو کرد. در



عبارتی از دعای افتتاح بر این امر تأکید شده است: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعْزِبُنَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُدْخِلُنَا بِهَا التَّفَاقُقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةَ فِي سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (کلینی، ۱۳۸۷: ص ۴۲۳-۴۲۴)؛ بر خلاف رویکردهای دنیاگرا به مهدویت، در این رویکرد اساس رغبت انسان‌ها به مهدویت و دولت کریمه عبارت است از دعوت به اطاعت الاهی و راهنمایی به راه خداوند (کارگر، ۱۳۹۲: ص ۹۷-۱۲۲).

چشم انداز فرهنگی مبتنی بر مهدویت، باید آرمان‌گرا باشد. البته نباید چشم انداز مهدوی با جامعه دست نیافتنی اشتباه گردد. این چشم انداز باید محصول ارزش‌های اساسی و بنیادین باشد که از آموزه‌های مهدویت سرچشمه گرفته است (همان، ص ۱۱۹). «چشم انداز فرهنگی» عبارت است از تصویری مطلوب و آرمان قابل دستیابی از ارزش‌ها و هنجارها و باورها که دورنمایی در افق بلند مدت فراروی جامعه قرار می‌دهد و دارای ویژگی‌های جامع‌نگری، آینده‌نگری و ارزش‌گرایی و واقع‌گرایی است (همان، ص ۱۰۵). در این چشم انداز باید الگوها و مدل‌های فرهنگی (آموزشی، تربیتی، اخلاقی و ...) از آموزه‌های مهدویت استخراج گردد و در اختیار سازمان‌های فرهنگی، آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، کارشناسان، متصدیان امور فرهنگی، صدا و سیما قرار داده شود تا در فهم بهتر آینده استفاده از آن‌ها در برنامه‌های خود، به این محتواها مراجعه شود (شاکی زواردهی، ۱۳۹۰: ص ۵-۱۰).

توجه به الگوهای فرهنگی جامعه عصر ظهور، به دلیل راه‌گشا بودن آن در الگوسازی و پی‌ریزی ساختارها و نظام‌های اجتماعی جامعه منتظر؛ از مهم‌ترین الزامات فرهنگ زمینه‌ساز در عصر انتظار است؛ زیرا عنصر «فرهنگ» در جامعه اسلامی وقتی می‌تواند کارکرد زمینه‌سازانه داشته باشد که به فرهنگ مهدوی معطوف باشد. به همین دلیل، باید به الگوپذیری جامعه زمینه‌ساز ظهور در بخش‌های مختلف اعتقادی و رفتارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و هر آنچه بر رویکرد فرهنگی جامعه منتظر اثرگذار است؛ توجه شود (صمدی، ۱۳۹۴: ۵۵-۷۶). متولیان فرهنگ لازم است، فعالیت‌های فرهنگی را هماهنگ با آرمان ظهور و در جهت تقرب و تعجیل امر ظهور تنظیم کنند؛ چرا که عرصه فرهنگ اساسی‌ترین میدان و کلیدی‌ترین بخش برای تحول جامعه است (حائری پور، بی‌تا: ج ۲، ص ۱۸۳)؛ چنان‌که امام خمینی در این زمینه فرمودند: «رأس همه اصلاحات، اصلاح فرهنگ است» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۰، ص ۳۵۶).

مهدویت و فرهنگ مهدوی، در منظومه معرفتی اسلام دارای جایگاهی برجسته و حیاتی است و الگوی عینی و عملی آن برای جامعه‌سازی، شخصیت‌سازی، آینده‌سازی، فرهنگ‌سازی، نظام‌سازی و تمدن‌سازی است (کارگر، ۱۳۹۳: ص ۷-۳۰). برای فرهنگ‌سازی، ترویج و آموزش فرهنگ مهدویت ابتدا باید جایگاه امام معصوم علیه السلام بررسی شود؛ چرا که اگر این جایگاه ثابت گردد، بیان مصداق به راحتی قابل طرح خواهد بود (موسویان، ۱۳۹۳: ص ۱۵۱-۱۷۳). چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفِ أَهْلَهُ؛ حق را بشناس، اهلش را می‌شناسی» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۳۱). نیز ایشان راه ثابت قدم ماندن در ولایت امام عصر علیه السلام را معرفت صحیح به امام و تسلیم امر اهل بیت علیهم السلام شدن بیان می‌دارد: «فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوَى يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْنَا وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۴). شناخت صحیح امام، علاوه بر معرفت افزایی، موجبات تسلیم انسان در برابر دستورهای امام در تمامی ابعاد زندگی را فراهم می‌کند که این مهم، همچون راهی مستقیم انسان را به قلعه محکم توحید رهنمون می‌سازد و هیچ فتنه و چالشی نمی‌تواند او را منحرف کند (طبسی، ۱۳۹۳: ص ۱۸۸). اصل نخست در سیره هر یک از معصومان علیهم السلام جواز اقتدا به آن هاست؛ یعنی، می‌توان از رفتارهای فردی، اجتماعی، عبادی و سیاسی معصومان علیهم السلام الگو گرفت (کارگر، ۱۳۹۳: ص ۷-۳۰).

طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ يَأْتُمُّ بِهِ وَ بِأَيْمَةِ الْهُدَى مِنْ قَبْلِهِ وَ بِيْرًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ أَوْلِيَّكَ رُفْقَائِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ؛ خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک و پیش از قیامش به او اقتدا کند؛ دوست او را دوست بدارد و از دشمن وی بی‌زاری جوید و ولایت امامان هدایتگر پیش از او را نیز بپذیرد. اینان دوستان من و مورد علاقه و محبت من و گرامی‌ترین امت من در نزد من هستند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۸۷).

۴. ساحت‌های مهدویت‌پژوهی با رویکرد فرهنگی

با توجه به عناصر و مؤلفه‌های اصلی فرهنگ، می‌توان مهدویت‌پژوهی را در همین ساحت دنبال کرد؛ مبانی اعتقادی و فکری ارزش‌ها، هنجارها و نمادها. هر یک از این حوزه‌ها، ظرفیت‌های بسیار مناسبی برای تحلیل و بررسی مسئله مهدویت داراست. ساحت‌ها و ابعاد



مختلف فرهنگ، نوعی در هم تنیدگی دارند؛ به گونه‌ای که تغییر در یک بعد و ساحت به تغییرات مثبت و منفی در سایر ابعاد منجر می‌شود (یزدان پناه، ۱۴۰۱: ص ۳۵ و ۳۸). گفتنی است که قرار دادن برخی امور فرهنگی و اجتماعی در ذیل یکی از ساحت‌ها و حیطه‌های متنوع فرهنگ، نه از آن جنبه است که هر امر فرهنگی منحصرًا ذیل همان عنوان قرار می‌گیرد، بلکه این تقسیم‌بندی برای افراز و جدا کردن دنبال شد؛ چنان که شاید بتوان برخی امور دیگر را ذیل سه ساحت یا بیش‌تر قرار داد؛ نظیر آداب و رسوم شکل دهنده رفتارهای اجتماعی و کنش‌های اجتماعی.

۵. تهدیدات فرهنگی

«مهدویت» به عنوان عقیده و آرمان بسیاری از مسلمانان، قرن‌ها است که توسط بزرگان و عالمان، تبلیغ و هدایت شده است. طولانی شدن غیبت و تنوع در برداشت از آن، محل چالش‌ها، آرا و دیدگاه‌های گوناگون و گاه متعارض با یکدیگر شده و با گذشت زمانی نزدیک به دوازده قرن، در سطوح مختلف جامعه بر ابهام بیش‌تر این آموزه افزوده شده است. این گستره زمانی و فهم متنوع موضوعی، نه تنها باعث درک متفاوتی نسبت به این آموزه را پدید آورده، بلکه موجب تنش در لایه‌های مختلف فرهنگی جامعه اسلامی. که مدعی جهانی بودن آموزه‌های اسلامی است. نیز شده است (یزدانی احمد آبادی، ۱۳۹۸: ص ۹۳-۱۱۲). به طور کلی، عرصه‌های مربوط به فرهنگ مهدویت و تهدیدات آن را می‌توان در دو مقوله «فرهنگ عمومی» و «فرهنگ جامعه علمی» دنبال کرد. در زمینه فرهنگ عمومی می‌بایست به تلقی‌های جامعه و عموم مردم درباره مهدویت اشاره کرد. بسیاری از مردم هنوز دیدگاه درست و صحیحی از فرهنگ مهدویت ندارند و حتی مهم‌تر از آن، می‌توان به عدم پایبندی عملی به فرهنگ مهدویت در جامعه امروز اشاره کرد. گرچه دوستانان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار زیادند و تمامی مردم مسلمان چشم انتظار ظهور فرج هستند؛ صرف اعتقاد کافی نیست. در زمینه علمی نیز خلأ مشهودی در زمینه تبیین روزآمد و علمی ابعاد مسئله مهدویت داریم (مهدی پور و دیگران، ۱۳۸۳: ص ۳۱-۵۲). آنچه مشاهدات و مطالعات نشان می‌دهند این است که عقیم ماندن اقدامات جهان اسلام، به دلیل عدم آگاهی از عمق و گستره کار دشمن است. طبیعتاً



وقتی چنین اطلاعاتی در دست نباشد، به طور مسلم هیچ گونه مقابله جدی نیز صورت نخواهد گرفت (میرزا محمدی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۱۳۸). رشد سریع بسیاری از پدیده‌های فرهنگی، توسعه تمدن جهانی که بر مبنای نگرش جدید به انسان و آزادی حق انتخاب او در حال رخ دادن است؛ عقب افتادن شیعه امامی در دستیابی به حکومت و فاصله مضاعف در ایجاد زمینه مناسب برای ترویج فرهنگ مهدویت از یک سو و از سوی دیگر، تغییر در بافت جامعه جهانی، یعنی حرکت جوامع خرد و کلان به منظور ایجاد جامعه جهانی، موجب شده است تا فعالان فرهنگ مهدوی در تنگنا و فشار مضاعف قرار گیرند و تولد ایده و تولید محتوای مناسب با این تغییرات سریع و غلبه بر کمبود ابزارها و سرمایه‌های فرهنگی؛ جامعه مهدوی را با چالش‌ها و تهدیدات جدی روبه رو کرده است (بیزدانی احمد آبادی، ۱۳۹۸: ص ۹۳-۱۱۲). در ادامه به برخی از این چالش‌ها و تهدیدات فرهنگی، اشاره می‌کنیم:

۱-۵. عدم برنامه برای تجمیع تمام توانمندی‌ها

اگر همه سرمایه‌های انسانی و اعتبارات مالی فرهنگی را در یک جا تصور کنیم، به این نتیجه خواهیم رسید که سرمایه درخور توجهی برای فرهنگ مهدوی وجود دارد. در نبود نظام برنامه‌ریزی جامع و مدیریت واحد، بسیاری از تلاش‌ها در این زمینه در طول تاریخ کم‌ثمر گردیده و فاقد کارایی و اثربخشی مناسب گشته‌اند. وضعیت فرهنگی امروز جوامع دینی، خود بیانگر این واقعیت است. لذا با وجود امکانات و منابع بسیار زیاد در حوزه فرهنگ، بهره‌برداری مناسب و کارآمد، از این سرمایه ارزشمند انسانی و مادی صورت نگرفته است. عسکریان به نقل از فیلیپ کومز در کتاب «بحران جهانی تعلیم و تربیت»، ریشه اصلی مشکلات فرهنگی را در «مدیریت» می‌داند (عسکریان، ۱۳۸۸: ص ۶۵). یکی از راه‌های برون رفت و اصلاح این وضعیت، کاربست «مدیریت مشارکتی» است. منظور از مشارکت، کلیه اقداماتی است که میزان نفوذ و مسئولیت جامعه را در فرآیند تصمیم‌گیری از میزان تنش‌ها و تعارضات کاسته شده است (زاهدی، ۱۳۸۲: ص ۴۷) و موجبات افزایش کمی و کیفی در بهره‌وری فرهنگی محقق شود (الوانی و دیگران، ۱۳۷۲: ص ۷۸).



۵-۲. ضعف در همگرایی و هم افزایی اجتماع

بدون توجه به نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز در این حوزه و بهره‌گیری از آن، قطعاً برنامه‌های توسعه فرهنگی ناکارآمد خواهد بود. بدون توجه به نیروی انسانی که فعالیت‌های تولید و توزیع و سامان‌دهی محصولات فرهنگی و هنری را به منصف ظهور رساند، انجام شدن اهداف توسعه را با مشکل مواجه کرده و نتیجه آن چیزی نیست جز تشتت اجتماعی و از دست‌رفتن یا کندشدن پذیرش آموزه‌های مهدوی. هر تغییری که اجرای آرمان‌های فرهنگی را با مشکل مواجه کند، چالش‌گری فرهنگی را شروع می‌کند. از این رو، برخی از فعالان این عرصه تلاش کرده‌اند با استخدام متخصصان و برگزاری همایش‌ها و جلسات بین ادیبانی و همگرایی‌های مشترک. همانند همایش دکترین مهدویت. تا حدودی به برطرف شدن این چالش کمک کنند (یزدانی احمد آبادی، ۱۳۹۸: ص ۹۳-۱۱۲).

۵-۳. ضعف در اجرای کارآمد فرهنگ مهدوی

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در حوزه اجرایی احیا و ساخت تمدنی مبتنی بر فرهنگ شیعی. امامی، این است که بتواند در عرصه عملی و اجرایی در برابر کسانی که انتظار فرج را مانع اصلاح جامعه و رشد می‌دانند قد علم کند (الویری، ۱۳۹۲: ص ۷-۲۶). شهید مطهری در این زمینه می‌گوید:

در میان افکار و معتقدات اسلامی، عمدتاً پنج عقیده در این زمینه مورد اتهام واقع شده‌اند که یکی از آنها اعتقاد به انتظار فرج است. مخالفان معتقدند این فکر و این عقیده انتظار فرج، نیت هر اصلاحی را از شیعه گرفته و در حالی که سایر ملل و اقوام در فکر اصلاح کار خودند، مردم شیعه منتظرند «دستی از غیب بیرون آید و کاری بکند» (مطهری، ۱۳۹۴: ص ۱۵).

۵-۴. وجود اختلافات ماهوی در مباحث مهدوی

قدمت تاریخی حضور اندیشه منجی باوری در میان ادیان و نحله‌های مختلف و برداشت‌های متفاوت و متنوع این گروه‌ها از چنین آموزه‌ای منجر به نفوذ روحیات و هویت متفاوت در سطوح کلان اجتماعی؛ اجرای آرمان‌های فرهنگی را با مشکل مواجه می‌کند و در

صورت عدم توجه به این امر مهم، تشدید احساسات و عواطف این گروه‌ها را در پی خواهد داشت. به تبع، همبستگی اجتماعی میان منجی باوران به شدت تضعیف گشته و فضای دوستی، صمیمت و همدلی که لازمه مواجهه با چالش‌های فرهنگی-اجتماعی است، با اختلال روبه‌رو خواهد شد. از این رو، لازم است برای دورماندن از این آفت مهم، در گام نخست بر مشترکات منجی باوری اصرار و در گام دوم به هم‌زیستی بین ادیانی و رفع اختلافات اعتقادی تکیه گردد تا تشخیص و گزینش بهترین باورداشت مهدویت توسط خود جامعه صورت پذیرد (یزدانی احمد آبادی، ۱۳۹۸: ص ۹۳-۱۱۲).

۵-۵. تکثر فرهنگی زیست مهدوی

یکی از مهم‌ترین پیامدهای مذکور، قلمروگرایی، کم‌رنگ شدن مرزها و در نتیجه، «تکثر فرهنگی» است که پیامد منطقی آن در سطح جوامع، شکل‌گیری هویت‌های چهل تکه می‌باشد در چنین وضعیتی، دو حالت امکان‌پذیر است: اول آن که بر این اساس، به حرکت در فضاهای بینابینی ناچار شده و لذا به دلیل نبود نوعی هویت مرکزی و مرجع، بی‌نظمی بر هویت تک تک افراد مستولی می‌شود. بنابراین، مرز میان خودی و غیر خودی از میان می‌رود و هویت افراد با چالش جدی روبه‌رو می‌شود. چنین فرایندی، برای فرهنگ‌هایی همچون فرهنگ مهدوی که در صدد حفظ موقعیت خویش در عصر جهانی شدن هستند، بسیار خطرآفرین است؛ چرا که فرد در میان هویت‌های گوناگون دچار نوعی سرگردانی و تضاد می‌شود و از این رو، اندیشه‌ای سیال و بی‌بنیان یافته و هر روز به گونه‌ای می‌اندیشد. با این وصف، هیچ نقطه اتصال و اتکایی نیست که شخصیت فرد آن، ثبات یابد. این درست است که ما از هویت بخشی فرهنگ مهدوی سخن به میان رانندیم؛ چنین کارکردی در وضعیتی رخ می‌دهد که فرد معتقد، دچار بی‌هویتی و از خودبیگانگی فرهنگی نشده باشد و بارها و ارزش‌های مهدوی را با عمق وجود خویش دریافته باشد (متقی زاده، ۱۳۸۸: ص ۱۲۵-۱۵۴).

۵-۶. تقدس زدایی از نمادهای مهدوی

از دیگر چالش‌های مطرح در این حوزه، می‌توان به وضعیتی اشاره کرد که در آن، نمادها از حالت تقدس معنوی بیرون آمده و به فرایند «تجاری شدن فرهنگی» آلوده می‌شوند؛ برای مثال



مکان‌هایی همچون مسجد مقدس جمکران، مسجد امام حسن عسکری علیه السلام یا قدمگاه، صرفاً از بعد زیباشناختی، معماری بنای ساختمان یا طبیعت زیبای اطراف آن مورد توجه قرار می‌گیرند و اعیادی همچون روز جمعه یا نیمه شعبان و مناسکی همچون دعای ندبه، تنها از زاویه مطالعات جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مورد قبول می‌شوند. در نتیجه این‌گونه نمادها که خود دارای محتوای دینی و زبان‌گفتاری یا جسمانی یا نوشتاری فرهنگ مهدوی محسوب می‌شوند، مورد مناقشه قرار می‌گیرند و تقدس خویش را از دست می‌دهند از آن بالاتر، حتی گاهی همین ارزش زیباشناختی را از دست داده و تنها بعد اقتصادی می‌یابند (همان، ص ۱۴۵).

۵-۷. مهدویت هراسی

وقتی مفاهیم مهدویت به صورت ناقص و تک‌بعدی بیان شوند و جامع‌نگری رعایت نشود، ممکن است سوء برداشت‌هایی را دامن زند و چهره غیرواقعی از آن ارائه شود. برای مثال، روایاتی که از جنگ طولانی و خون‌ریزی فراوان خبر داده‌اند، چهره بسیار خشنی از امام غایب ترسیم می‌کنند و از روایات دیگر که جلوه‌های محبت و مهربانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه را بیان کرده‌اند و سیره و اخلاق او را همانند خلق و خوی جد گرامی‌اش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی کرده‌اند، غفلت ورزیده می‌شود (میرزا محمدی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۱۳۳).

۶. فرصت‌های فرهنگی مهدویت

اگرچه این آموزه در هر یک از مراحل تاریخی با چالش‌ها و آسیب‌هایی مواجهه بوده است؛ دارای ظرفیت‌ها و فرصت‌های مناسبی است که می‌توان به خوبی بر آن جنبه اقدامات فرهنگی برنامه‌ریزی کرد. در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

۶-۱. عطش معنویت در جهان

دنایای جدید، بازتاب سقوط تدریجی انسان از مقام بندگی خدای متعال است. دین این امکان را به انسان می‌دهد که برای انسان بودن متوجه مافوق انسان باشد؛ در حالی که بشر متجدد با طرح انسان محوری، جنبه حیوانی خود را محور و انگیزه کارهایش قرار داده است. پیشرفت علم و تکنولوژی و تمدن جدید با رهاوردهای علمی تکنیکی و مادی خود، «تعالی



زدایی» را از اندیشه خود آغاز کرد که نتیجه محتوم آن، خلاء معنا و بحران روحی و معنوی در افراد بود. با ژرف اندیشی در تحولات جاری بین المللی، سرخوردگی بشر از تمدن جدید و محصولات مخرب آن، ناتوانی این تمدن در سامان‌دهی زندگی انسان معاصر و در نتیجه، رویکرد وی را به دین و معنویت به خوبی در می‌یابیم. بی‌گمان در این اوضاع نابسامان، حکومت دینی و جامعه دینی که او را از همه این وضعیت‌ها رها کند، تکیه‌گاه انسان بحران زده معاصر است.

۶-۲. شکست مکتب‌های فکری غیر شیعی و غیر اسلامی

فرهنگ جهانی در تاریخ، فراز و نشیب‌های فراوانی طی کرده است و آخرین نظریه که مورد توجه و استقبال صاحب نظران و دانشمندان غربی و شرقی قرار گرفته، مکتب «پست مدرنیسم» است. پست مدرنیسم جنبشی است که بعد از مدرنیسم و در اواسط قرن بیستم میلادی به وجود آمد و در واقع، واکنشی در برابر اصول و ارکان مدرنیسم به شمار می‌آید. مدرنیسم پس از دو انقلاب صنعتی انگلستان (اواسط سده هجدهم میلادی) و انقلاب سیاسی فرانسه (۱۷۸۹ میلادی) رخ نمود و در صدد ماشینی کردن زندگی بشری و توسعه سیاسی بود و عرصه مسائل فکری - فرهنگی در آن خیلی گسترده نبود. لذا لازم شد که مکتب پست مدرنیسم برای بازسازی و ایجاد تحول فکری و فرهنگی در دنیای غرب به وجود آید و راه آینده جوامع را به زعم پایه‌گذاران آن به موازات پیشرفت‌های سیاسی حاصل از مکتب سکولاریسم، هموار سازد. پس مکتبی به وجود آمد (همان، ص ۱۵۳) که با هرگونه معرفت‌شناسی عام و کلی و لزوم احترام به معرفت‌شناسی‌های مختلف، سیالیت و شناور بودن معنا به جای حاکمیت هرگونه حقیقت واحد و یکپارچه مخالف و با قوانین و اصول عام‌گرایانه، در ستیز باشد و نیز تمامیت‌خواه، کلی‌نگر و مطلق‌اندیشی از جمله پایه‌های فکری اندیشه‌های پست مدرنیستی به شمار می‌آید (چوپانی، ۱۳۸۸: ص ۱۵۵-۱۷۵). این وضعیت، خود اعلان جنگی ضد همه ادیان توحیدی و غیر توحیدی، آداب و رسوم ملی و قومی و اصول مطلق شناخته شده در فلسفه الهی - انسانی است. این فرهنگ برای سوق دادن جهان به غرب‌گرایی، از خودبیگانگی، بی‌دینی، مصرف‌گرایی، هوسرانی، بی‌بندوباری طراحی شده است و بیش‌ترین تقابل و تضاد را با باور مترقی



مهدویت دارد؛ چه این باور مترقی که ثمره تلاش همه انبیا و اولیای الهی و ائمه معصوم علیهم السلام است و اهداف و مقاصدی بر خلاف فرهنگ جهانی پست مدرنیسم دارد و در پی تحقق مؤلفه‌های ذیل است: حاکمیت جهانی اسلام و محو شرک و اختلافات بشری، حاکمیت مطلق عدالت و دادورزی، برقراری آرامش و امنیت همه جانبه، رشد پایدار اقتصادی و رفاه عمومی و رفع فقر، رشد و ترقی علوم و فنون و شکوفایی و کمال عقلانیت بشری، تکیه بر استدلال و اقناع و کسب مقبولیت و رضایت عمومی، استفاده از گفتمان واقعی و احتجاج با ادیان دیگر، حفظ و ارتقای کرامت انسانی و حقوق بشر دوستانه، نفی قومیت‌مداری و نژادپرستی نوسازی و احیای دین بر مبنای مقتضیات جدید، ایجاد تحول شگرف در حوزه‌های ارتباطی - رسانه‌ای، رعایت آرمانی حقوق محیط زیست و جانداران (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ص ۱۲۷، ۱۰۸). سؤال این است که غرب مدرن و بالیده از رنسانس و تحت ولایت علم و تکنولوژی، اکنون در کجا ایستاده است؟ در قله تعالی یا در حوض انحصاط؟ علم مدرن اگرچه لذت و رفاه بیش‌تر را برای بشر به ارمغان آورده است؛ آسایش را هرگز، و آنچه جان و روح آدمی را تابناک و متبلور می‌کند، برق ظواهر و ابزار قدرتمند و امکانات انبوه مادی است با جذبہ درخشش معنویت و غایت‌اندیشی؟ (عرفان، ۱۳۹۰: ص ۵-۳۸).

۳-۶. نفوذ اندیشه و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران

با حیات مجدد اسلام و بیداری مسلمانان جهان در عصر امام خمینی، تحلیل‌هایی که بر پایه اثبات رکود تدریجی اسلام استوار بود، زود بی اعتبار شد. این انقلاب، فضای مناسبی را برای تجلی دوباره مکتب اسلام برای جهانیان فراهم کرد. آن چه اکنون بیش از هر چیز دیگر، تعجب تحلیل‌گران بین‌المللی را برانگیخته و توجه صاحب‌نظران را به شدت به خود معطوف داشته، تأثیرات وسیع و غیرمنتظره‌ای است که انقلاب اسلامی در میان غیر مسلمانان، به‌ویژه در جوامع غربی برجای گذاشته است. در واقع امام خمینی با هدایت و رهبری بزرگ‌ترین انقلاب مردمی، آغازگر عصر تجدید حیات دینی و معنوی بشر عصر حاضر شد؛ عصری که آن را به حق باید مقدمه حکومت جهانی حضرت مهدی دانست (همان، ص ۲۸ و عظیمی، ۱۳۸۹: ص ۱۴۱-۱۶۸).



۶-۴. موعود باوری در ادیان

اندیشه نجات‌بخشی و اشاره به موعودی که در پایان جهان خواهد آمد و نظام همسان با دستورهای خداوند خواهد ساخت؛ در همه ادیان وجود دارد. البته این که او کیست؛ چه وقتی و کجا ظهور خواهد کرد؛ از جمله مسائل مورد اختلاف است. همه ادیان با عبارت‌ها و شیوه‌های واحدی از ویژگی‌های عصر انتظار یاد کرده‌اند. سبب این همسانی آن است که در همه دوره‌ها و برای همه مردم، ستم، کینه و جنایت ناپسند بوده است. از این‌رو، انتظار تحقق جامعه‌ای بدون ظلم و تصور جامعه‌ای آرمانی از گذشته‌های دور تاکنون، اندیشه بسیاری از دانشمندان و محققان بوده است. طرح این‌گونه مباحث نشانه آن است که خواست جامعه آرمانی خالی از ستم در نهاد انسان‌ها ریشه دارد (همان، ص ۲۹).

به طور کلی اندیشه اصلاح، ارتقا و رشد فرهنگی در رویکرد به آموزه مهدویت، دست‌کم به دو پیش‌فرض نیازمند است: یکی این‌که وضعیت کنونی رویکردها به آموزه مهدویت، دچار کاستی‌ها، اشکالات و نارسایی‌ها است که باید اصلاح شود و تغییر یابد و دیگر این‌که تصویری ذهنی برای وضعیت مطلوب و سامان‌یافته وجود داشته و بایستگی‌های رویکرد مطلوب فرهنگی به آموزه مهدویت تعیین شده باشد (عرفان، ۱۳۹۵: ص ۴۹-۷۴).

متولیان فرهنگ نشر معارف مهدوی، می‌توانند با بهره‌برداری از وضعیت مطلوب، در رفع و دفع نواقص و کاستی‌های فرهنگی وضعیت موجود تلاش کنند و اقدامات فرهنگی را در سطح داخلی و بین‌المللی گسترش دهند. در ادامه به برخی از این اقدامات اشاره خواهیم کرد:

۱. تربیت نیروی انسانی آگاه، متعهد و متخصص به انگیزه تبیین ابعاد و اهداف جنگ نرم برای مردم، به‌ویژه برای جوانان در سطح جامعه و جهان و پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات مهدوی؛

۲. به‌کارگیری تکنولوژی جدید، فناوری‌های کارآمد و استفاده از همه ظرفیت‌ها و سرمایه‌های فرهنگی برای شناخت چالش‌ها و نقطه ضعف‌های فرهنگ مهدوی؛

۳. اطلاع‌رسانی مستمر همراه با تحلیل و تفسیر صحیح و واقعی از مسائل مهدوی و ارائه معیارهای اسلامی و ارزش‌های دینی و اخلاقی؛

۴. تولید رسانه فرهنگی، مانند روزنامه با شبکه‌های تلویزیونی و رادیوی ملی و فراملی با ایجاد



- رسانه مشترک اسلامی، به منظور تبلیغ اندیشه‌های اسلامی و مهدوی در سطح جهان؛
۵. حضور فعال نهادها و مؤسسات فرهنگی اسلامی در فضای اینترنتی و گسترش معارف مهدوی در فضای مجازی؛
۶. برنامه‌ریزی و تدوین ساختاری اساسی، برای بهره‌برداری بهینه از تعدد مؤسسات و پژوهشکده‌ها، تلاش اساسی محلی و ملی در جهت تبیین مسائل اساسی به روز در متن مدارک و مستندات مهدویت و ارائه و تدوین آن در جامعه و تدوین یک سند چشم انداز محلی و ملی؛
۷. خروج مهدویت از حاشیه به متن و از غیر قابل دسترس بودن به امری دست یافتنی و عینی؛
۸. طرح و بررسی مجدد ارزش‌های فرهنگ مهدوی در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی.

نتیجه‌گیری

از کارکردهای مهم مهدویت، «کارکرد فرهنگی» است؛ زیرا از سویی اعتقادات و باورها یکی از ارکان فرهنگ هستند و از سوی دیگر، اندیشه مهدویت از بنیان‌های فکری و باورهای اصیل برخوردار است.

نسبت میان فرهنگ و تمدن، «عام و خاص مطلق» است؛ یعنی هر تمدنی در مقام تحقق، الزاماً و قهراً به یک منظومه فرهنگی ارجاع و استناد دارد؛ اما هر فرهنگ یا نظام فرهنگی، لزوماً در چرخه آفرینش تمدن طی طریق نمی‌کند. با توجه به فراگیر شدن تهاجم فرهنگی دشمن در جهت محو فرهنگ مهدویت و تسلط بر جهان، توجه به فرهنگ مهدویت، به ویژه فرهنگ زمینه‌ساز ظهور از ضروریات جامعه مهدوی است. توجه به الگوهای فرهنگی جامعه عصر ظهور، به دلیل نقش راه‌گشای آن در الگوسازی و پی‌ریزی ساختارها و نظام‌های اجتماعی جامعه منتظر، از مهم‌ترین الزامات فرهنگ زمینه‌ساز در عصر انتظار است. از جمله مهم‌ترین ساحت‌های فرهنگ عبارت است از: باورها، اعتقادات، نگرش‌ها، ارزش‌ها، احساسات و دلبستگی‌های عمومی، امور ابزاری فرهنگ، آداب و رسوم شکل دهنده رفتارهای اجتماعی، مصنوعات اجتماعی، تاریخ، امور جعلی و اعتباری، امور طبیعی و دست‌نخورده.

از جمله مهم‌ترین تهدیدات پیش‌روی آموزه مهدویت عبارت است از: عدم برنامه برای تجمیع توانمندی‌ها، ضعف در همگرایی و هم‌افزایی اجتماع، ضعف در عملیاتی‌سازی معارف مهدوی، وجود اختلافات ماهوی در مباحث مهدوی، تکثرگرایی و تقدس‌زدایی از نمادهای مهدوی.

از جمله مهم‌ترین فرصت‌های فرهنگی مهدویت عبارت است از: بی‌معنایی و عطش معنویت در جهان، شکست مکاتب فکری جهان، پیامدهای منفی جهانی‌سازی، نفوذ اندیشه و آرمان‌های انقلاب اسلامی و موعودباوری.



منابع

۱. آراسته خو، محمد (۱۳۸۱). *نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی و اجتماعی*، تهران، چاپخش.
۲. آشوری، داریوش (۱۳۸۱). *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، تهران، مؤسسه نشر آگه.
۳. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶). *نگرش‌هایی نوبه آموزه مهدویت*، قم، مؤسسه آینده روشن.
۴. افروغ، عماد و دیگران (تابستان ۱۳۷۹). «*تبادل فرهنگ‌ها، ضرورت‌ها و دورنماها*»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۶.
۵. الویری، محسن (پاییز ۱۳۹۲). «*اندیشه مهدویت و تمدن نوین اسلامی*»، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۴۲.
۶. الوانی، سید مهدی و دیگران (۱۳۷۲). *مباحث ویژه در مدیریت دولتی*، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۷. امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۹). *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی*، قم، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۸. بردیایف، نیکلای (بهار ۱۳۷۴). «*فرهنگ و تاریخ: تمدن و آزادی*» مترجم: حکمت الله ملا صالحی، نامه فرهنگ، شماره ۴.
۹. پژوهنده، محمد حسین (پاییز ۱۳۷۴). «*بازشناسی مفهوم فرهنگ از دیدگاه متفکران*»، مجله اندیشه حوزه، شماره ۲.
۱۰. جعفری، هرندی، طالعی و نجفی (بهار ۱۳۹۵). «*تحلیل چالش‌های ترویج فرهنگ زمینه‌ساز ظهور در عصر حاضر به منظور ارائه راهکارهای پیشنهادی*»، مجله پژوهش‌های مهدوی، شماره ۱۶.
۱۱. جمشیدی، محمد حسین (تابستان و پاییز ۱۳۷۳). «*تهاجم فرهنگی چیست؟*»، فصلنامه بسیج، شماره ۳-۴.
۱۲. چوپانی، یدالله (پاییز ۱۳۸۸). «*پدیده جهانی شدن فرهنگ‌ها*»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۳.
۱۳. حائری پور، محمد مهدی (بی‌تا). «*شاخصه‌ای فرهنگی جامعه زمینه‌ساز*»، مجموعه مقالات

ششمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، ج ۲.

۱۴. حسینی، سید حسین (۱۳۹۸). *مطالعات تمدنی تحلیل نظری و تاریخی پیرامون مؤلفه‌های*

فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، نقدفرهنگ.

۱۵. داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۰). *تمدن و تفکر غربی*، تهران، ساقی.

۱۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱). *لغت نامه*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۷. دهشیری، محمدرضا (زمستان ۱۳۸۸). «*رسانه و فرهنگ سازی*»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی،

شماره ۸.

۱۸. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آنا تومی جامعه*، تهران، شرکت سهامی انتظار.

۱۹. روشه، گی (۱۳۹۶). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی: کنش اجتماعی، سازمان اجتماعی*،

مترجم: هما زنجانی زاده، تهران، سازمان سمت.

۲۰. زاهدی، شمس السادات (۱۳۸۲). *روابط صنعتی: نظام روابط کار*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

۲۱. شاکری زواردهی، روح الله (بهار ۱۳۹۰). «*مهدویت، جهاد فرهنگی و راهبردی ما*»، فصلنامه

انتظار موعود، شماره ۴۳.

۲۲. _____ (۱۳۹۲). *مهدویت و آینده جهان*، قم، دفتر نشر معارف.

۲۳. شرف الدین، سید حسین (۱۳۹۴). «*نقش عوامل معنوی در رویش و بالندگی، تمدن مندرج*

در مهدویت و رهیافت تمدنی: کاوش‌هایی نظری و راهبردی در تمدن نوین اسلامی»، مجموعه

مقالات یازدهمین همایش دکترین مهدویت، ج ۳.

۲۴. شریعتی، علی (۱۳۵۹). *تاریخ تمدن*، تهران، نشر قلم.

۲۵. شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۳۸۹). *پیشگویی‌ها و آخر الزمان*، تهران، انتشارات موعود عصر.

۲۶. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، محقق: علی اکبر غفاری،

تهران، اسلامیه.

۲۷. صمدی، قنبر علی (پاییز ۱۳۹۴). «*ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی عصر ظهور و نقش الگویی آن*

در فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز»، مجله پژوهش‌های مهدوی، شماره ۱۴.

۲۸. طبسی، محمد محسن (۱۳۹۳). *حدیث سلسله الذهب*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی

آستان قدس رضوی.



۲۹. عرفان، امیر محسن (زمستان ۱۳۹۰). «تبیین ضرورت‌های رویکرد راهبردی به آموزه مهدویت»، فصلنامه پژوهش‌های مهدوی، شماره ۳.
۳۰. _____ (پاییز ۱۳۹۵). «اثر بخشی کارکردگرایانه آموزه مهدویت در نظام اخلاقی تمدن اسلامی»، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۵۴.
۳۱. عسکریان، مصطفی (۱۳۸۸). *سازمان و مدیری*، تهران، امیرکبیر.
۳۲. عظیمی، کاظم (۱۳۸۹). «درآمدی بر فرهنگ مهدویت و عناصر آن»، مجله دین و ارتباطات، شماره ۳۷ و ۳۸.
۳۳. _____ (۱۳۹۰). «تشکیل جمعیت زمینه‌سازان ظهور مهدی و کارکردهای آن»، مجموعه مقالات هفتمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، ج ۳.
۳۴. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*، قم، انتشارات رضی.
۳۵. کارگر، رحیم (بهار ۱۳۹۲). «مهدویت و جایگاه آن در چشم انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد آینده‌پژوهی»، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۴۰.
۳۶. _____ (تابستان ۱۳۹۳). «توسعه فرهنگی در عصر ظهور و چشم انداز آن در جامعه منتظر»، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۴۵.
۳۷. کریم زاده، اصغر، ملایی، حسن (تابستان ۱۳۸۸). «تا دولت کریمه، بررسی رسالت‌ها و راهبردهای فرهنگی. تربیتی دولت زمینه‌ساز»، فصلنامه شرق موعود، شماره ۱۰.
۳۸. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۸۷). *کلینی نامه، کتابشناسی و نسخه شناسی کتاب الکافی و شروح*، قم، انتشارات کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی.
۳۹. گولد، جولپوس، کوکب، ویلیام (۱۳۹۲). *فرهنگ علوم اجتماعی*، مترجم: باقر پرهام، تهران، مازیار.
۴۰. متقی زاده، زینب (زمستان ۱۳۸۸). «آسیب‌شناسی فرهنگ مهدوی در عصر جهانی شدن»، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۳۱.
۴۱. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۹). *آموزش عقاید*، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات.
۴۲. مطهری، مرتضی (۱۳۹۴). *انسان و سرنوشت*، تهران، صدرا.

۴۳. ملکی راد، محمود (۱۳۹۷). *کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی.
۴۴. موسویان، سیدمرتضی (تابستان ۱۳۹۳). «*طراحی فضای سناریوی ترویج و آموزش فرهنگ مهدویت از طریق رسانه ملی*»، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۱۸.
۴۵. مهدی پور، علی اکبر؛ آیت اللهی، محمدتقی؛ بهروزی لک، غلامرضا و مشیری، مجتبی (بهارو تابستان ۱۳۸۳). «*اهمیت فرهنگ مهدویت*»، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱۱ و ۱۲.
۴۶. میرزا محمدی، علی (۱۳۹۰). «*راهبردهای تولید، انتقال و بازخورد فرهنگ مهدویت*»، مجموعه مقالات ششمین همایش بین المللی دکترین مهدویت، ج ۲.
۴۷. نکونام، جعفر و کریمی تبار، مریم (بهار ۱۳۸۹). «*راهبردها و راه کارکردهای فرهنگی دولت زمینه ساز در رویارویی با جنگ نرم*»، فصلنامه مشرق، موعود، شماره ۱۳.
۴۸. ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۴). *پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*، تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه.
۴۹. یزدان پناه، سید یدالله (۱۴۰۱). *چیستی و نحوه وجود، فرهنگ نگرشی نوین به فلسفه فرهنگ*، تهران، کتاب فردا.
۵۰. یزدانی احمدآبادی، علی (بهار ۱۳۹۸). «*چالش های جامعه شناختی فرهنگ مهدویت فراروی آینده نظام تمدن اسلامی*»، مجله پژوهش های مهدوی، شماره ۲۸.

